



بازتاب تمام رخ زنان

سال سوم
شماره ۹۵
دوشنبه
۱ میزان ۱۳۹۸
قیمت ۱۰ افغانی
Monday
23, September, 2019
Vol. 3
No. 95

نیمه هفته



نجوا عالمی، خبرنگار افغان برنده جایزه امسال «پرانگر» (Per Anger Prize) شده است. این جایزه بین المللی دولت سوئد به دلیل مبارزه وی در راستای نهادینه شدن آزادی بیان و حمایت از حقوق زنان، تعلق گرفته و در ۱۷ اکتبر در مراسمی در استکهلم به خانم عالمی اهدا خواهد شد.

رویکرد نیمه

نقش موثر زنان در صلح

پس از سقوط طالبان، بسیاری از زنان افغان، به ویژه در شهرها، شاهد پیشرفت‌های عمده و فوری در کیفیت زندگی و دسترسی به حقوق اساسی شان بوده‌اند. از آن زمان، این کشور شاهد افزایش مداوم در آموزش و پرورش و کار آفرینی زنان و نیز فعالیت زنان در حوزه‌های عمومی و خصوصی بوده است. با وجود این پیشرفت قابل ملاحظه، زنان افغان همچنان در مذاکرات صلح غایب بودند و یا صدای شان آن‌طور که باید، شنیده نمی‌شود.

در ۱۸ سال گذشته، زنان افغان همکاری و سهم چشم‌گیری در تهیه و تدوین قانون، اصلاحات سیاسی، توسعه اقتصادی، ادبیات و دیپلماسی داشته‌اند. هرگونه توافق سیاسی باید این کمک‌ها و قربانی‌هایی را که زنان افغان طی دهه‌ها جنگ برای ایجاد یک محیط مناسب برای زنان به منظور توسعه بیشتر توانایی‌شان و ترویج یک جامعه همه‌شمول و آزاد، متحمل شده‌اند، به رسمیت بشناسد، با اینحال همیشه جایگاه خالی آن‌ها در مذاکرات صلح به چشم می‌خورد، این در حالی است که روندهای صلح زمانی مؤثراند که زنان در آن شامل باشند. زنان افغان خواهان صلح بودند و هستند و می‌خواهند در چگونگی مذاکره در مورد صلح و رسیدن به توافق، تاثیر گذار باشند. با «احتمال موفقیت تلاش‌ها برای ایجاد ثبات در جوامع و مذاکرات صلح زمانی بیشتر می‌شود و به صلح پایدار منجر می‌شود که زنان در روند صلح به سطح ملی نیز شامل شوند. هرگونه توافق سیاسی آینده باید قربانی زنان را در طول جنگ و سهم و کمک بالقوه‌ی آن‌ها را در بازسازی کشور به رسمیت بشناسد. عوامل متعددی، از جمله تقاضاهای خارجی از جانب جامعه بین‌المللی و کمک‌کنندگان، چارچوب‌های حقوقی-قانونی، سیاست‌ها و استراتژی‌های دولت - مانند ... صفحه ۲»

اگر فکر کنیم که طالبان تغییر کرده، اشتباه کرده‌ایم

صفحه ۳ ...



بد دادن؛ ناموسی شدن منازعات

جنگ و دعوای مردان جنبه‌ی ناموسی پیدا می‌کند. یعنی زنان مورد زخم زبان قرار می‌گیرند و زنان بین مردمان معامله می‌شوند.

معامله‌ی زنان در دعوای و نزاع‌ها در فرهنگ مردسالار عرف است. به این عرف «بد دادن» گفته می‌شود. اصطلاح بد دادن عرفی است که معمولاً در نزاع‌های قتل، نزاع‌های ناموسی مانند رفتن یک زن از یک قبیله با مرد یک قبیله‌ی دیگر یا رابطه‌ی نامشروع یک زن و مرد و... صورت می‌گیرد. برای رفع این نزاع‌ها زنان بین مردان معامله می‌شوند. به این معامله «بد دادن» می‌گویند. به این معنا که بد کار خود را پرداخت. مساله این است که اشتباه و خطا را مردان می‌کنند اما آسیب و ضرر را زنان متقبل می‌شوند. یک مرد کسی را می‌کشد. بنابراین به خانواده کشته‌شده باید خواهر یا دختر خود را بد بدهد. مهم این نیست که آن خانواده از این دختر چه بهره‌برداری می‌کند. ممکن یک مردی از آن خانواده با این دختر ازدواج کند، ممکن از این دختر در خانه به عنوان کنیز استفاده شود و مردان آن خانواده به این دختر تجاوز کنند. در کل دختر برای انجام ... صفحه ۲»



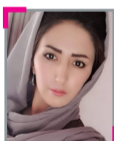
تحلیل
یعقوب یسنا

در افغانستان موقعی که دو مرد یا مردان باهم جنگ می‌کنند؛ خواسته یا ناخواسته زنان



هدف قرار می‌گیرند و به زنان آسیب می‌رسانند. نخستین سخنی که در جنگ و دعوای مردان اتفاق می‌افتد دشنام به زنان است. بنابراین هرگونه

«حوا، مریم، عایشه» راوی رنج زنانگی در افغانستان



تحلیل
فاطمه روشنیان

نویسنده و کارگردان فیلم «حوا، مریم، عایشه» زنی ست که در جامعه‌ی سنتی اسلامی بزرگ شده ولی در جمهوری چک در اروپای مرکزی تحصیلات سینمایی‌اش را تا سطح دکترا به پایان رسانده است. خلاقیت ذهن سازنده‌ی این فیلم را می‌توان از ظرافت‌های هنری و ژرف‌نگری در مسایل اجتماعی که در این فیلم بازتاب یافته است، درک کرد. صحرا کریمی در این فیلم زندگی سه نسل زن را باهم پیوند زده است. در این نوشته، به نام کاراکترهای این فیلم و شباهت ذاتی این شخصیت‌ها با باورهای تاریخی مردمی پرداخته می‌شود که مخاطب و بستر شکل‌گیری ایده‌های سازنده‌ی این فیلم است. حوا، مریم و عایشه؛ هر سه زنانی بوده‌اند که در برهه‌های مختلف تاریخی در این جهان زیسته‌اند. صحرا نیز بدان‌ها باور دارد. اما صحرا میان حوا، نخستین انسان زن، با حوایی که در کابل قربانی ستم مردانه می‌شود پل می‌زند و پیوندی از جنس عمل «زایش و ماشین تکثیر نسل بشر» ایجاد می‌کند. مریم نیز در گیرودار یک جنینی هست که نباید آستن می‌شد. عایشه، در اسارت فرهنگ سنتی-قبیله‌ای اسیر شده است؛ ضمن آن که از عصیان‌گری نسل جدید دختران کابل و از بازار سیاه زیرزمین که ریشه در میل مردان به خون‌بگارت دارد، سخن می‌زند.

حوا

طبق متون پذیرفته شده در جوامع اسلامی و

فولکلور زنده در هزاره‌جات که در واقع زادگاه سازنده‌ی این فیلم است، «حوا» اولین زنی ست که خداوند خلق کرده و با شوهرش «آدم» هر دو به خاطر خطای حوا و تمایل او به دانه‌ی گندم یا سیب از بهشت طرد شده‌اند. وقتی حوا در کره‌ی زمین فرود می‌آید، در این جاست که رابطه‌ی جنسی و زایش صورت می‌گیرد. حوایی را که خانم کریمی به تصویر کشیده نیز اسباب زاییدن است و پس.

حوا، زنی پا به ماه، در آخرین هفته‌های بارداری‌اش به سر می‌برد، شوهری دارد از جنس مردهای ننگی و پدرشوهری که به پرنده‌هایش بیش تر ارج می‌نهد تا حوا. مادر شوهر فلج حوا، باز سنگینی ست بر دوش حوایی که از درد و ورم پاهایش به سختی قند و راست می‌شود. اما حوا هم چنان در آرزوی تولد فرزندش لبخند می‌زند و به گریه‌ای مهربانی می‌کند که

برای گرفتاری او، پای حوا به ... صفحه ۲»
دام افتید و فرزندش در رحم‌اش

بد دادن؛ ناموسی شدن منازعات

پول می‌خواهیم. بنابراین هر دو طرف بر سر پول چنه می‌زنند، تا این که هر دو طرف پولی را مشخص می‌کنند، بعد دختر معامله می‌شود. کم‌ترین پول برای معامله‌ی یک دختر، چهار لک افغانی است. فکر می‌کنم چنین سودا و فروخت به‌عنوان یک عرف در بین همه‌ی مردم افغانستان رواج دارد. شاید در کابل کمتر باشد. اما اکثر افراد اقوام ما که در کابل نیز زندگی می‌کنند؛ برای رضایت نکاح دختر یا خواهر خود به مردی، از آن مرد پول می‌گیرند و شرط رضایت شان دریافت پولی است که طرف، وعده به پرداخت آن پول می‌کند.

این پول جدا از مهر دختر است. مردان خانواده، پول خود را می‌گیرند اصلاً به فکر مهر دختر نیستند. تاسف‌بار این است که حتا به فکر این نیستند که دختر یا خواهر شان را برای زندگی با مردی نکاح کرده‌اند. اعضای مرد خانواده از داماد پول خود را می‌گیرند، این که روزگار دختر پس از ازدواج چه می‌شود، اعضای مرد خانواده‌ی دختر به فکر سرنوشت دختر خود نیستند. حتا تعدادی از مردان منتظرند که رابطه‌ی دختر با شوهر به هم بخورد، دختر بیاید خانه تا دختر را با مرد دیگر برای گرفتن پول معامله کنند.

به هر صورت، در کل ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ی ما علیه‌ی زنان است. در چنین ساختار اجتماعی و فرهنگی، زنان جایگاه فردی و هویت مستقل ندارند. یا زن مردی یا دختر مردی یا خواهر مردی یا مادر مردی استند. هویت خود را از مردان می‌گیرند. مردان استند که درباره‌ی سرنوشت زنان تصمیم می‌گیرند. بنابراین تا ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ی مردسالار تغییر نکند و زنان از نظر تحصیل، شغل و درآمد مالی استقلال پیدا نکنند، سخت خواهد بود که بتوان از فرد فرد زنان حمایت کرد. زیرا ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه به مردان مشروعیت می‌بخشد تا اختیارات اعضای زنان خانواده‌ی خود باشند. زنان نیز این قیومیت و اختیار مردان خانواده را بر خود پذیرفته‌اند و درست می‌دانند.



دختران خریده شده‌اند. مردی را می‌شناسم که قوم من است. پنجاه سال دارد. همسرش وفات کرد. از سمت شمال در بدل چند لک افغانی یک دختر را خریداری کرد. دختر این مرد را هیچ ندیده بود. معامله را فردی به‌عنوان میانجی انجام داد. معامله که انجام شد، پول به پدر دختر رسید؛ این مرد با چند تن از کابل رفت دختر را تحویل گرفت و با خود کابل آورد. فعلاً آن دختر، همسر این مرد است. در جریان چندین نمونه‌ی دیگر نیز استم که دختران همین گونه معامله شده‌اند. در بین مردم ما دختران فروخته می‌شوند. طبق عرف و رسم و رواج خواستگاری صورت می‌گیرد و آنچه که شرایط است انجام می‌شود. اما پدر و برادران دختر به خواستگاری می‌گویند که ما این قدر

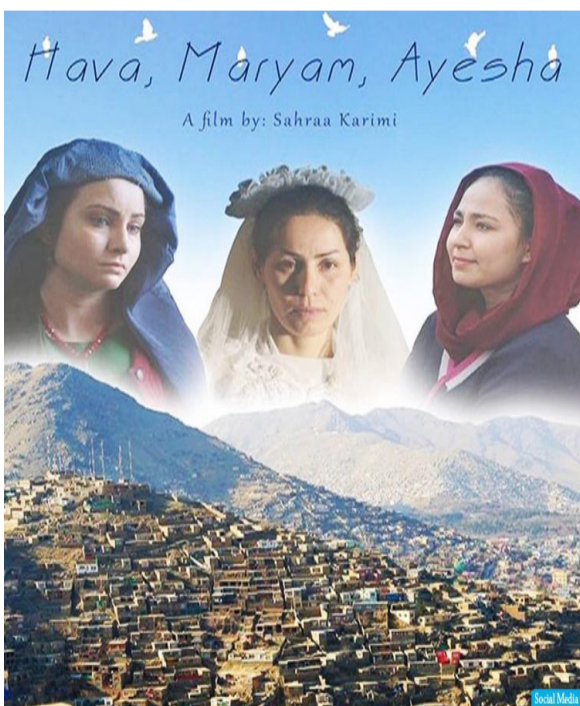
عرف رواج داشت و برای رفع حل منازعات از بد دادن زنان استفاده می‌شد. فکر می‌کنم فعلاً طبق قانون بد دادن جرم است اما هنوز نیز زنان بد داده می‌شوند. زیرا ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ی مردسالار افغانستان از این عرف حمایت می‌کند. زنان طبق عرف فرهنگی جامعه‌ی مردسالار افغانستان، متاع و کالا برای استفاده و بهره‌برداری مردان است. مردان خواهران و دختران خود را طبق میل و خواست شان در بدل پول و سایر مصلحت‌ها و منفعت‌ها وادار به نکاح مردانی می‌کنند که آن مردان زن دارند. خیلی تفاوت سال با دختر دارند. دختر آن مرد را نمی‌خواهد. چنین وادار به نکاح کردن نیز بد دادن است. یعنی زن بین دو مرد معامله می‌شود. من خودم شاهد نکاح دخترانی بوده‌ام که اصلاً این

کار بد یکی از اعضای مرد خانواده‌ی خود در اختیار مردانی گذاشته می‌شود که آن مردان توسط اعضای مرد خانواده‌ی دختر متضرر شده است. این که با دختر بد داده شده چگونه رفتار می‌شود ارتباط می‌گیرد به اخلاق اعضای خانواده‌ی که دختر را بد گرفته است. تنها حق کشتن دختر را ندارند. طبق عرف بد دادن حق دارند که دختر را برای همیشه از دیدار دوستان و اعضای خانواده‌اش محروم کنند. حق دارند دختر را وادار به انجام کارهای شاقه کنند. در صورتی که یک زن با یک مرد فرار کند، بد این کار نیز بد دادن یک دختر از اعضای خانواده‌ی مردی است که زن با او فرار کرده است. چند سال پیش در دهی ما یک مرد زن‌دار با یک زن شوهردار موقع برقراری رابطه‌ی نامشروع گرفتار شد. جرم را یک زن و مرد انجام داده است، اما آسیب این جرم را یک زن و یک دختر متقبل شد. مردان محل فیصله کردند زن و مردی که باهم رابطه‌ی نامشروع داشتند، ازدواج کنند. اما آن مرد یکی از دختران خود را طبق میل شوهر آن زن به بد دهد. شوهر آن زن از بین چند دختر آن مرد خلاف کار یکی از دختران‌اش را به بد گرفت.

بحث زن خلاف کار سر جایش باشد. اما در این نزاع دو زن دیگر متضرر شدند. همسر مرد خلاف کار متضرر شد، زیرا شوهرش زنی را به‌عنوان همسر خانه آورد که با او رابطه‌ی خلاف قانون داشت. برای این رفتار باید به همسرش جواب می‌گفت؛ برخلاف خانمی را به‌عنوان همسر دوم وارد خانه‌ی همسر نخست‌اش کرد. دختری که هنوز آمادگی ازدواج نبود، به مردی سپرده شد که آن مرد چهل سال بزرگتر از آن دختر بود.

درست این است که هر فرد چه زن چه مرد باید خودش جزای خطا و اشتباه خویش را متقبل شود. متأسفانه در جامعه‌ی مردسالار، خطا و اشتباه اعضای مرد خانواده را اعضای زن خانواده، متقبل می‌شوند. قبلاً این فرهنگ در بین اکثر اقوام افغانستان به صورت

«حوا، مریم، عایشه»..



ترجیح می‌دهد او با پسر عمه‌اش طبق میل مادر خود ازدواج کند. عمه‌خسوی عایشه می‌گوید: پدر عایشه که در انتحاری کشته شده، اگر زنده می‌بود او نیز از این پیوند خوشحال می‌شد. انتحاری و اشک‌هایی که بسیار زود می‌خشکد، اما دردی که از دل زنان هرگز فراموش نمی‌شود؛ واقعیتی است که در این فلم سراسر بازتاب یافته است. تلویزیون‌ها نیز در این فلم سراسر خبرهای انتحاری را نشر می‌کنند. عایشه در روز نامزدی شان، به درخواست عمه‌خسویش نزد داماد می‌رود و سپس خواهر کوچک‌تر عایشه در جای او می‌نشیند. این حرکت نشان می‌دهد که تمام مسئولیت‌های بعدی عایشه

بخشی از خاطراتش را از روی دفتر به خوانش می‌گیرد: «عشق مثل گناه و مثل رسوایی ست».

آن‌گونه که صحرا روز اکران این فلمش در دانشگاه کابل بیان کرد، در واقع مریم بازتاب‌دهنده‌ی زندگی واقعی صحرا است. مریم لباس عروسی‌اش را از صندوق چه بیرون می‌کشد و در قامت عروس به شوهری پاسخ رد می‌دهد که سال‌ها با او زیسته است. خیانت شوهر، صرف در مکالمه‌ی تلفنی برای مخاطب رسانده می‌شود. این مکالمه ستیز و ایستادن در مقابل شوهر خائن است.

آنچه در مریم می‌توان دریافت این است که هنر به مثابه‌ی پناه به کار گرفته شده و صحرا خودش را به تصویر کشیده است. این که راوی این داستان چگونه زنی بوده و مریم چگونه زنی تصویر شده، از سخنان کارگردان در اکران فلم برمی‌آید. یکی برداشت خودش را از رنج و رود ستم جاری در زندگی زنان یک جامعه می‌نویسد و این متن تبدیل به تصویر می‌شود، اما یکی تمام این صحنه‌های روایت را در زندگی واقعی خودش تجربه کرده است. در واقع صحرا هم حوا بوده، هم مریم شده تا که دردهای عایشه را به تمام معنا درک کرده است.

عایشه

عایشه، تصویر واقعی «عایشه» است. عایشه دختر است که از نیستی می‌خواهد هستی بسازد تا میل مرد به خون واژن را پاسخ مثبت بدهد. او حتا برای چکیدن این خون به فریب متوسل می‌شود. در سکانتس عایشه، ظرافت زیادی به کار رفته است. عایشه دختر است که با یک مرد دل‌خواه خودش رابطه داشته و حتا رابطه‌ی جنسی هم برقرار کرده؛ اما سنت حاکم در درون جامعه و خانواده

متوجه اوست و کسی که پس از عایشه نزد دامادی خواهد نشست، نیز اوست.

حلقه‌ای که عمه‌خسوی عایشه در روز نامزدی شان برای او هدیه می‌کند حلقه‌ی اسارت زن است. حتا مادرش به او اجازه نمی‌دهد که پس از نامزدی تنهایی بیرون برود در حالی که تا چند ساعت قبل او بی‌پروا جاده‌ها را زیر پایش لِه می‌کرد و در کوچه‌ها قدم می‌زد. اما چوری دست‌بندی که نامزدش به او هدیه می‌کند برای او مسئولیت می‌آفریند.

عایشه اکنون از رابطه‌ی که قبلاً داشته به نحوی بیزار است اما کماکان سخن گفتن‌اش را حداقل در حد یک تماس تلفنی حفظ کرده و اکنون تکرار می‌کند که «همه چیز تمام شده» است.

اما عایشه این دست‌بند طلائی و تنها تحفه‌ی نامزدش را به بازار می‌فروشد و از دوستانش نیز پول قرضه می‌گیرد. سر به هر سنگی می‌زند تا پولی دست و پا کند که پرده‌ی بکارت‌اش را ترمیم کند. در شهر عایشه ترمیم پرده بکارت کار خلاف پنداشته می‌شود. یک عملیات پزشکی که وارد زیرزمین شده و پول هنگفتی از این بابت دست به دست می‌شود. دوختن این پرده که در واقع نوعی فریب در رابطه‌ی زناشویی نیز است، اسباب ریختن چند قطره خون از واژن زن را فراهم می‌کند. عایشه برای دومین بار زفاف را تجربه خواهد کرد؛ اما با درد بیش‌تر در هنگام پاره شدن تارهای دوخته شده در داخل واژنش. آن‌چه به لحاظ روانی مخاطب این فلم را درگیر می‌کند صحنه‌ی زفاف است که یک پرده‌ی بکارت ساخته‌گی چه اهمیتی دارد؟ آیا این فریب یک رابطه را چقدر پایدار حفظ خواهد کرد؟ اما زندگی عایشه همین است که هست. هزارها دختر امروز مشتریان این صنعت اند. صنعتی که از تمایل مرد به خون بکارت نشات می‌گیرد.

آن‌چه باعث خلق این اثر شده، در واقع گریه‌هایی است که باعث جاری شدن این رود زلال می‌شود. «حوا، مریم، عایشه» مثل رود زلال همه جزئیات و پیامش واضح است. این فلم راوی رنج زنانه‌گی در افغانستان است. سینما به مثابه‌ی پناه‌گاهی به شمار می‌رود که صحرا بدان توسل جسته و رنج سکوت را تحمل نکرده است. این فلم اگر در یک جمله خلاصه شود: «راوی رنج زنانه‌گی و عشق مادرانه است.»

از تکان خوردن ماند.

حوا از درد، لذت مادرانه می‌برد. این که درد کشیدن برای زایش یک انسان از قطره‌های خون خویش چه لذتی می‌تواند داشته باشد، فقط یک زنی حس می‌کند که مادر شده باشد. در نهایت، حوا زنی است که در اوج درد از سوی همسرش نادیده گرفته می‌شود. وقتی مرد تفریح با دوستانش را نسبت به رساندن حوا در کلینیک ترجیح می‌دهد، حوا به آیین دعا و قرآنی توسل می‌جوید که دستور فرمان‌برداری او با همان قرآن در قامت فرهنگ حاکم ظهور کرده است. غیرت مردانه و ننگ قبيله ای؛ از حوا زنی ساخته است که ناموس و عیالی برای خفتن در خفا و کارنده‌ی بی‌مزد و معاش‌خانه است.

مریم

مریم در واقع مادر عیسا مسیح یکی از پیامبران الهی است. طبق متون اسلامی و مسیحیت، مریم بدون رابطه‌ی جنسی آبستن شده است. او می‌خواهد چنین را سقط کند اما پدرش به او بشارت می‌دهد که خداوند از روح خویش در او دمیده و فرزند خدا را باید زنده نگه داشت. مادر عیسا به «مریم مقدس» شهره است. اما مریمی را که صحرا به تصویر می‌کشد، مریم عصیان‌گر است. او در کابل-شهر مردانه- آزادانه سیگار می‌کشد. در مقابل پیشنهادهای کاری که امنیت او را سلب می‌کند «نه» می‌گوید؛ او مریمی هست که می‌رود تا طفل نخواست‌اش را سقط کند. این مریم بیش از هر چیزی نگران آینده‌ی طفلی هست که نباید آبستن می‌شد. او نه وساطت را می‌پذیرد و نه تقاضای شوهری را که هفت سال از کار تحملش کرده است.

اولین صحنه‌ای که در سکانتس مریم با آن مواجه می‌شویم، بیانگر این است که زن امروز افغانستان در اداره‌های دولتی و رسانه‌ها کار می‌کند، اما در محیط کار امنیت ندارد. ولی زنی به قامت مریم می‌ایستد و از خودش دفاع می‌کند. حلقه‌های بندگی و بردگی (حلقه‌ی نامزدی‌اش) را دور می‌ریزد. مریم می‌پرسد و کاسه‌ی صبرش را می‌شکند. مریم



سال سوم ■ شماره ۹۵ ■ دوشنبه ۱ میزان ۱۳۹۸

Monday 23, September, 2019 ■ Vol. 3 ■ No. 95

اگر فکر کنیم که طالبان تغییر کرده، اشتباه کرده ایم

مشارکت سیاسی زنان چه نقدی بر رویکرد و فعالیت‌های زنان ما در حکومت و جامعه دارید؟

به این باور دارم که اگر ما زنان هم دست روی دست بگذاریم که رفتار و باور طالبان تغییر کردند، کار اشتباهی است. باید ما لابی‌گری‌های خودمان را در سطح داخل ادامه دهیم و سرخواست‌ها اشتراک نظری انجام شود و در سطح بیرون و بین‌الملل که آن‌ها برای تحقق حقوق زنان هزینه زیادی متقبل شدند، آن اولویت و برابری جنسیتی را که به آن پایبند بودند، از لیست اولویت‌های افغانستان خط نخورد.

به عنوان یک زن موفق، نویسنده و وکیل شورای ولایتی نقش خانواده تان در پیشرفت شما چگونه بوده است؟

من یک بخش بزرگ از موفقیت‌م را مدیون خانواده هستم و مدیون مادری که برای ادامه تحصیل ما در دوران مهاجرت با همه در افتاد. تا من و خواهر و برادرم از حق تحصیل محروم نشویم. وقتی ازدواج کردم شوهرم به معنی واقعی کلمه سعی کرد حمایت کند، چه در دوره انتخابات و چه در سفرهایی که مجبور بودم حضور داشته باشم. خیلی وقت‌ها با وجودی که طفلم خورد بود، همسرم مسوولیت را قبول می‌کردند و به هر شکلی از اشکال حمایت می‌کردند چه با نگرانی بچه‌ها و چه با تشویق در فعالیت‌هایی که می‌باید حضور می‌داشتم. عرصه سیاست برای ما زنان در افغانستان عرصه جدیدی بوده که در طول تاریخ ۵۰ ساله خود کمتر فرصت حضور داشتیم و باید بپذیریم که بی تجربه هستیم و از طرف دیگر بین ما منافع مشترک وجود ندارد، باید بپذیریم که از این جهت نتوانستیم خیلی وقت‌ها از هم حمایت کنیم. در کشور ما منافع جمعی وجود ندارد و منافع قومی، مذهبی و زبانی وجود دارد. متأسفانه در بین زنان منفعت جمعی نه تعریف شده و نه وجود دارد و خیلی وقت‌ها انسجام و هماهنگی بین زنان کمتر وجود دارد و خیلی از دوستان مدنی ما انتقاد می‌کنند که جنبش سراسری زنان باید به وجود بیاید که منافع مشترک زنان را در نظر بگیرد.

سخت‌تری داشته باشیم، اما طالبان مجبور اند دمکراسی، حقوق زنان و آزادی بیان را به رسمیت بشناسند. چون در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که زنان افغانستان امکان ندارد، و تحمل نخواهند کرد وضعیتی را که طالبان حاکمیت داشته باشند. زن امروز افغانستان بعد از چهارده، پانزده سال سر بلند



کرده است، خیلی متفاوت است و فکر نمی‌کنم طالبان آن خشونت‌هایی را که در گذشته داشتند، تکرار کنند.

با توجه به چاپ اثر تان در زمینه

فکر می‌کنم طالبان امروز با مجاهدین دهه هفتاد که علیه استعمار شوروی جنگ می‌کردند، تفاوت آشکاری ندارد. آن‌ها می‌خواستند، جهاد کنند، در این راه از ابزارهای نادرست استفاده کردند. مثل کشتارهای کابل و جنگ‌های داخلی. من فکر می‌کنم طالبان شباهت دارد به



گفت‌وگو:

مینا نصر

گفتگوی اختصاصی با فاطمه جعفری، نویسنده، فعال حقوق زنان و عضو شورای ولایتی هرات به بهانه چاپ مجدد کتاب مشارکت سیاسی زنان در افغانستان از ایشان

چه چالش‌هایی فرا راه زنان وجود دارد و چه راهکارهایی برای این چالش‌ها پیشنهاد دارید؟ شخصاً فکر می‌کنم زمان می‌تواند یک راه حل خوبی باشد برای این چالش‌ها. خانواده‌ها علاقه مندند اولاد دختر را به مکتب‌ها بفرستند. ناامنی مسلماً یک چالش جدی در برابر زنان است. حکومت باید تلاش جدی در حل این مشکل بکند که از اصلی‌ترین ضرورت‌های زنان است، وقتی امنیت باشد مطمئناً گپ‌های دیگر حل می‌شود.

با توجه به سفرهای شما به خارج از کشور، بخصوص آمریکا، نگاه و نگرش خارجی‌ها دیدگاه آن‌ها نسبت به وضعیت زنان افغانستان چگونه هست؟

یک نظر واحد بین دوستان خارجی درباره زنان افغانستان وجود ندارد، از این جهت که مردم آن‌جا معلومات کافی درباره این‌جا ندارند و اصلاً نمی‌دانند افغانستان در کدام منطقه جغرافیایی است. با این حال سه نظر کلی احساس می‌شود، یک عده خیر ندارند و درباره وضعیت زنان افغانستان کنجکاو نیستند، و یک عده احساس می‌کنند در واقع مالیات آن‌ها در جای دوری به هدر می‌رود، یک عده کمی که آگاه هستند وقتی وضعیت زنان افغانستان را می‌بینند فکر می‌کنند زنان ما در این مبارزه پیروز واقعی هستیم. با توجه به مذاکرات اخیر آمریکا با طالبان، به نظر تان طالبان چه عکس‌العمل‌هایی در خصوص فعالیت‌های زنان در سیاست امروز خواهند داشت؟

دوستان جهادی ما. ولی به هر صورت، وقتی که طالبان جذب نظام شوند، اگر تغییراتی در باورهای خود نداشته باشند، کمک‌ها و حمایت‌های دوستان بین‌المللی را نخواهند داشت. هر چند ممکن است که ما در روزهای اول روزهای

زنان و چالش‌های ...

ادامه از صفحه ۲

ادامه از صفحه ۱

ادامه رویکرد نیمه‌تج

نقش موثر...

برنامه‌ی عمل ملی برای تطبیق قطعنامه‌ی ۱۳۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد - وجود دارد که ممکن است در ابتدا به دستاوردهای زنان افغان کمک کرده باشند.

فعالیت زنان افغان نقش مهمی در تلاش‌ها برای افزایش مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی ایفا کرده است. اما به رغم این اقدامات، زنان افغان دلایل بسیاری دارند که درباره‌ی به حاشیه‌راندن شدن و محرومیت از روند صلح نگران باشند. نمایندگی زنان پس از ۱۸ سال غایب بودن در گفت‌وگوهای صلح، بر همگان آشکار کرد که دستاوردهای شکننده‌ی ۱۸ سال گذشته نبود شدنی نیست و باید و به آن‌ها به عنوان بخشی از توافق سیاسی، آن‌طور که باید، توجه شود.



انسانی و عاری از فساد و خشونت است باید حمایت از زنان را در مرکز نقل توجه خود قرار دهند. در انتخابات ریاست جمهوری و پرونده صلح با مخالفین دولت خط سرخ اصلی همین حفظ حقوق زنان، آزادی زنان و تمام ارزش‌های حقوق بشری باید تعیین شود. جامعه جهانی، حکومت و جامعه مدنی همه باید در یک صف واحد قرار گرفته و از حقوق زنان دفاع کنند.

لذا می‌توان به زبان ساده مدعی شد که تهدیدهای بی‌شماری زنان را نشانه رفته و بیش از پیش در مسیر پیشرفت و ترقی آن‌ها مانع ایجاد کرده است؛ محرزترین این تهدیدها گسترش بی‌پیشینه نفوذ طالبان، اوج گرفتن فساد در ادارات دولتی، دل‌سردی جامعه بین‌المللی از تداوم حمایت‌های انسان دوستانه و حقوق اساسی خانم‌ها به شمار می‌رود. اگر مردم افغانستان خواهان یک جامعه

هزینه‌های آموزش و تحصیل، حمایت‌های حقوق بشری و دفاع از حقوق زنان و قربانیان خشونت تداوم نیاید حرکت‌ها و رشد زنان که مراحل ابتدایی و اولیه خود را طی می‌کنند و به تازگی تکوین یافته است، به زودی رو به افول نهاده و جوانه‌های لطیف امید و آرزوی زنان در خزان سرد استبداد و بی‌عدالتی خواهند پژمرده.

دولت فاسد و فساد گسترده و ویرانگر در ادارات دولتی تهدید بزرگ و سهمناکی است که مانع عمده در مسیر رشد زنان و حضور موثر آن‌ها در حوزه عمومی محسوب می‌شود. از آنجایی که زن با برخورداری از گنجینه عظیم از عاطفه و عشق برای رشد به فضایی مناسب و عاری از خشونت و فساد نیاز دارند در محیط آکنده از تهدید و آزار و اذیت جنسی و فسادهای اخلاقی کم‌تر فرصتی رشد و شکوفایی می‌یابند. زنان بوته‌های هرزی نیستند که در هر محیط آلوده و لیجن‌زاری برویند و رشد انگل‌گونه داشته باشند، برعکس زنان گل‌های لطیف و دارای ظرافت خاصی است که برای رشد و نمو به بستر عاری از خشونت و فساد و زورگویی ضرورت دارند. خانم‌ها به علت اجتناب و پرهیز از خشونت و دوری از فساد خود قربانی بالقوه فساد و خشونت اند. به همین علت فساد گسترده در ادارات دولتی چالش بس عظیم و تهدید بزرگ برای حضور زنان در حوزه‌ی عمومی است.

تحلیل

نورالله صفايي



زنان و چالش‌های جدید

خانم‌ها که نیمه مهم و حیاتی پیکر جامعه را شکل می‌دهند در طول تاریخ قربانی اصلی خشونت‌ها و بی‌عدالتی‌ها بوده‌اند. همیشه مردها با استفاده از دستگاه حکومت و فرهنگ مردسالار زنان را از حقوق اساسی شان محروم کرده و انواع خشونت و اجحاف را بر خانم‌ها تحمیل کرده‌اند. خرید و فروش زنان به شکل یک کالای مورد معامله، محروم کردن خانم‌ها

و متحدین غربی را از حمایت و کمک‌های همه جانبه دل‌سرد و مأیوس ساخت. یکی از فرماندهان آمریکایی که در جنگ افغانستان برای چندین سال حضور داشته است در یک مجله آمریکایی به دولت آمریکا پیشنهاد کرده که هر چه عاجل افغانستان را ترک کند. این فرمانده گفته است دولت مردان و فرماندهان نظامی افغانستان به شکل و قیحانه با طالبان تباری



شخصی کرده و به عیاشی و فساد پردازند. به هر دلیلی که باشد روی آوردن آمریکا به طالبان در تحت عنوان مذاکره و گفتگو نگران‌کننده است و تهدید جدی را متوجه زنان افغانستان کرده است. طالبان با ذهنیت و افکار زن ستیزانه در زمان حاکمیت کوتاه اما سیاه و ویران‌گر خویش رفتار غیر انسانی با زنان داشت و در بسیاری موارد خشونت‌های وحشیانه و نهایت سبانه را بر زنان اعمال کردند. شکل‌گیری مجدد این گروه سیاسی یکبار دیگر موها را بر تن انسان راست می‌کند.

بی‌توجهی و قطع حمایت کشورهای خارجی و سازمان‌های بشر دوستانه که نقش تعیین‌کننده در رشد و بالندگی زنان و حضور پررنگ آن‌ها در حوزه‌های عمومی داشت، بدون تردید آسیب‌ناپذیری را متوجه زنان می‌کند. خانم‌ها بعد از تحمل سال‌ها خشونت و شکنجه و اهدا کردن قربانی‌های بی‌حساب در این دو دهه گذشته با حضور جامعه جهانی در افغانستان قد برافراشتند و آغاز به بالیدن و شکوفاشدن کردند. حضور آن‌ها در عرصه‌های سیاسی، فرهنگ و معارف هنر و رسانه‌ها شگفت‌انگیز و حیرت‌آور بود. اما متأسفانه در چند سال اخیر کمک‌های بین‌المللی رو به افول گذاشته و دارد به شکل اندوهناکی کاهش می‌یابد. اگر حمایت‌های جامعه جهانی در بخش‌های معارف به خصوص فراهم کردن ... صفحه ۳

هر آن بلا که بیاید سرم، نمی‌ترسم
دگر ز دوری و چشمانم نمی‌ترسم

تو ماه می‌شوی و شب به خانه می‌آیی
من از سکوت و سیاهی و غم نمی‌ترسم

تو با منی و من از امنیت چه برخوردار
که با حضور تو از پیچ و خم نمی‌ترسم

اگر شود که فلک بر سرم بیارد سنگ
تو سریناه منی از ستم نمی‌ترسم

همیشه شانه‌ی تو تکیه‌گاه می‌باشد
چه خوب با تو به هر جا روم نمی‌ترسم

تو آفتابی و بر قلب من که می‌تابی
صدای ابر شود زیر و بم نمی‌ترسم

به روح من که تو باران لطف می‌باری
ز خشک سالی هر ساله هم نمی‌ترسم

از حق مالکیت و ارث، اعمال خشونت‌های فیزیکی از سوی پدر، برادر، شوهر و حتی مادر و مادر شوهر و در برخی موارد حتی برادر شوهر و تمام اعضای فامیل، محروم کردن خانم از حق آموزش و تعلیم و فراگیری علم و دانش، تحمیل کلفت‌گری و کار شاق و طاقت فرسای خانه بدون هیچ نوع مزد، بهره‌کشی جنسی و استفاده به عنوان ابزار اطفای عطش شهوت و غرایز جنسی مردان همه بر زنان تحمیل شده است. اما در برهه‌های کوتاهی که اندک‌ترین فرصت برای زن فراهم شده، آن‌ها شایستگی و استعداد فوق‌العاده خویش را به شکل خیره‌کننده‌ای به نمایش گذاشته‌اند. بعد از فروپاشی و اضمحلال رژیم طالبان و شکل‌گیری نظام سیاسی دموکراتیک برای زنان فرصتی هرچند اندکی فراهم ساخت. آن‌ها با استفاده بهینه از این مجال، با تمام نیرو وارد حوزه عمومی شده و به شیوه‌ی حیرت‌انگیزی نقش‌آفرینی کردند. علی‌رغم مشکلات و موانع ساختاری در سطوح و لایه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، زنان خوش‌درخشیدند و در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حضور یافتند و نقش بسیار مؤثر و ارزش‌مندی ایفا کردند. اما اکنون چالش‌ها و تهدیدهای جدید فرا راه پیشرفت زنان پدید آمده است که محرزترین آن رنسانس و احیایی مجدد طالبان‌نسیسم، فساد گسترده در ادارات حکومتی، قطع کمک‌ها و حمایت‌های کشورهای خارجی و سازمان‌های بین‌المللی است.

رژیم مستبد و زن ستیز طالبان بعد از فروپاشی و سقوط، به علت حکومت‌داری ضعیف، فساد سیاسی-اداری در دستگاه سیاسی کشور، تغییر در سیاست خارجی کشورهای کمک‌کننده و به خصوص آمریکا و حمایت و پشتیبانی کشورهای منطقه از طالبان به علت مخالفت با حضور آمریکا در افغانستان، باز تجدید قوا کرده و یک‌بار دیگر خواب تشکیل امارت اسلامی را در سر می‌پرورانند. علت اصلی ظهور مجدد طالبان را باید در فساد گسترده دستگاه حکومت جستجو کرد. دولت مردان افغانستان با فساد گسترده، فاصله گرفتن از مردم و تباری آشکار و پنهان با طالبان از یک سو به طالبان انگیزه و انرژی مضاعف بخشید و از سوی دیگر آمریکا

بی‌توجهی و قطع حمایت کشورهای خارجی و سازمان‌های بشر دوستانه که نقش تعیین‌کننده در رشد و بالندگی زنان و حضور پررنگ آن‌ها در حوزه‌های عمومی داشت، بدون تردید آسیب‌ناپذیری را متوجه زنان می‌کند. خانم‌ها بعد از تحمل سال‌ها خشونت و شکنجه و اهدا کردن قربانی‌های بی‌حساب در این دو دهه گذشته با حضور جامعه جهانی در افغانستان قد برافراشتند و آغاز به بالیدن و شکوفاشدن کردند. حضور آن‌ها در عرصه‌های سیاسی، فرهنگ و معارف هنر و رسانه‌ها شگفت‌انگیز و حیرت‌آور بود. اما متأسفانه در چند سال اخیر کمک‌های بین‌المللی رو به افول گذاشته و دارد به شکل اندوهناکی کاهش می‌یابد. اگر حمایت‌های جامعه جهانی در بخش‌های معارف به خصوص فراهم کردن حمایت‌های حقوق بشری و دفاع از حقوق زنان و قربانیان خشونت‌تداوم نیابد حرکت‌ها و رشد زنان که مراحل ابتدایی و اولیه خود را طی می‌کند و به تازگی تکوین یافته است، به زودی رو به افول نهاده و جوانه‌های لطیف امید و آرزوی زنان در خزان سرد استبداد و بی‌عدالتی خواهند پژمرد.

دارند و به صورت عمدی و آگاهانه با طالبان در اکثر رویدادها همکاری می‌کنند. رهبران آمریکا نیز گفته‌اند که نمی‌خواهند با پول مالیات شهروندان آمریکا دولت مردان افغانستان استفاده



Star Educational Society

JOIN US FOR A DIFFERENCE

Since 1998
تفاوت را با ما تجربه کنید!

چرا باید به ستاره بپیوندید؟

- بیش از ۲۰ سال تجربه تدریس عالی انگلیسی
- بیش از شصت هزار نفر فارغ التحصیل زبان انگلیسی
- بیش از صد نفر دانش آموز ستاره جانز بورس فولبرایت آمریکا
- برای سهولت دسترسی شما، ۱۵ شعبه ستاره در نقاط مختلف شهر کابل و ۶ ولایت
- متخصص مشاوره برای دریافت امکانات عالی تحصیلی در دانشگاه‌های بین‌المللی
- بنیان‌گذاری اولین نشریه آموزشی زبان انگلیسی افغانستان به نام اینتر استار با شمارگان ۷۰۰۰ نسخه

مجموعه آموزشی ستاره
ثبت نام می‌کند

American English File

وب سایت: star.edu.af

شماره های تماس تماس:
انستیتوت: ۰۷۸۹۰۶۳۷۲۳
شعبه A: ۰۷۴۴۵۶۳۷۵۵
شعبه B: ۰۷۴۴۰۴۶۰۵۲
شعبه C: ۰۷۰۸۴۵۷۴۵۳
شعبه D: ۰۷۷۹۶۱۸۵۵۰
شعبه E: ۰۷۷۱۰۴۰۲۳۵
شعبه H: ۰۷۴۶۱۳۴۹۶۲